

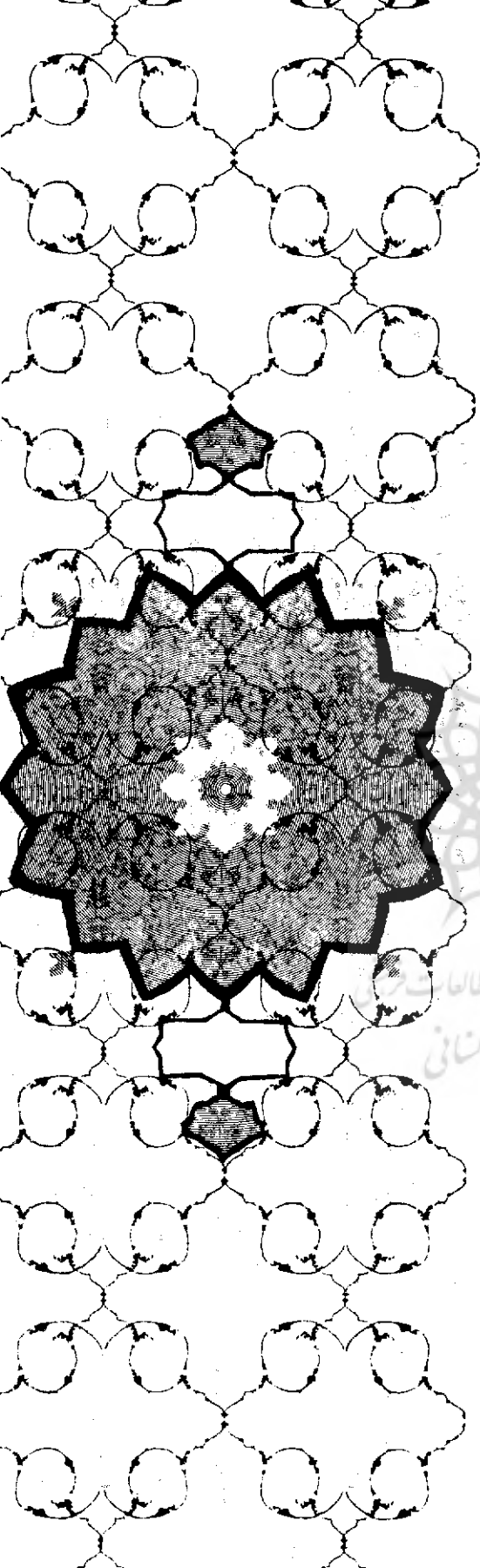
جهانگیر قاسم

(دکتر در تاریخ)

مسأله ہر روز

در روابط ایران و پرتغال

« قسمت پنجم »
پرتغال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

این عده در رمضان ۱۰۱۱ (فوریه ۱۶۰۳) اسفهان را ترک گفتند تا از راه هرموز به هندوستان و از آنجا به پرتغال بروند^{۳۲۱} ولی به سبب اینکه در آن روزها وسیله‌ای برای رفتن به هندوستان آماده نبود، مجبور به توقف در هرموز شدند. در همان روزها حسینعلی بیگ سفیر ایران هم در راه بازگشت از اسپانی به هرموز رسید. گووه‌آ که هنوز اندیشه بازداشتن ایرانیان از تصرف و مداخله در بحرین را در سر می‌پرورانید، همراه حسینعلی بیگ به شیراز بازگشت (اواسط ذی‌حجه ۱۰۱۱ = اواخر مه ۱۶۰۳). اما پاسخ شاه عباس همچنان منفی و مصممانه بود و امید پرتغالیها را مبدل به یأس کرد. شاه عباس گفته بود: «جزیره بحرین از اجدادش به او رسیده و در تصرف او خواهد ماند. این جزیره برای مصالح پادشاه ایران بیشتر مورد نیاز است تا برای منافع امیر هرموز»^{۳۲۲}. بدین مناسبت گووه‌آ که از تلاش و اقدامات خود نتیجه‌ای به دست نیاورد، دوباره به هرموز بازگشت و از آنجا به گوآ رفت. (گراور ۳۹)

اما درباره بسطام قلی بیگ و احوالات او، آنچه از مدارک پرتغالی برمی‌آید، چون قرار بوده است، در این اوقات (۱۰۱۲ = ۱۶۰۴) سفیری به نام لوئیش پره‌یرا دولاسردا Luis Preira de Lacerda با نامه‌ای از پادشاه اسپانی و پرتغال برای شاه عباس به گوآ می‌رسید که به ایران برود، نایب‌السلطنه هند، آیرش دوسالدان یا Ayres de Saldanha به اندیشه اینکه با رسیدن او، دیگر رفتن سفیر ایران به اسپانی حاصلی جز صرف

۳۲۱- گلبنکیان: ص ۳۳ و ۳۸-۳۹

۳۲۲- همان کتاب، ص ۳۹-۴۰



گراوور شماره ۳۹ - نقشه و طرحی از جزیره هرموز
اصل این نقشه به صورت رنگی در نسخه خطی کتاب «وضع هندشرقی» تألیف
پدرو باره تو دورزند مضبوط است .

Pedro Barreto de Resend - Livro do Estado da India Oriental

هزینه‌ای اضافی ندارد، مانع رفتن بسطام قلی بیگ به اسپانی شده بود و او تا سال ۱۰۱۳ (۱۶۰۵) که دم مارتیم آفونسو دو کاسترو Dom Martim Affonso de Castro به نیابت سلطنت اسپانی و پرتغال در هند منصوب شد در گوآ بوده، ولی فیلیپ سوم پادشاه اسپانی و پرتغال در نامه‌ای به تاریخ ۲۶ فوریه ۱۶۰۵ (۷ شوال ۱۰۱۳) به دوکاسترو نایب‌السلطنه جدید، ضمن اظهار ناراضماندی از رفتار سالدان یا، دستور داد سفیر ایران را با اولین کشتی روانه پرتغال نماید و هزینه سفر او را نیز بپردازد. به علاوه، لاسردا دستور یافت در دربار ایران، از تأخیری که در فرستادن بسطام قلی بیگ پیش آمده بود عذرخواهی کند. ۳۲۳

به این ترتیب، بسطام قلی عازم اسپانی و پرتغال شد ولی پیش از آنکه به اروپا برسد، در راه در گذشت. ۳۲۴

هیأت سفارت دو لاسردا که دو کشیش از فرقه سناگوستن

به نامهای گی‌یرم دو سانتو آگوستین یو Guilherme de Santo Agostinho و بلشیر دوس آنجوس Belchior dos Anjos نیز همراه آنها بوده‌اند، در ۱۳ رمضان از گوآ به مقصد ایران عزیمت کردند. ۳۲۵

شاه عباس در این موقع در میدان جنگ با عثمانی‌ها بود و هیأت مزبور بعد از چند روز توقف در اصفهان، روز ۱۴ ربیع الاول

۳۲۳- مونسوئش : یکم، سند شماره ۳ ص ۱۶-۱۱. گلبنکیان در مقدمه سفرنامه لاسردا، بسطام قلی بیگ را با حسینعلی بیگ بیات که در ۱۰۱۱ از سفر اسپانی به گوآ بازگشته و در ذی‌حجه همان سال به شیراز رسیده بود اشتباه کرده است (ر. ک به ص ۴۲ مقدمه سفرنامه لاسردا).

۳۲۴- مونسوئش : یکم، سند ۲۱ ص ۱۱۵

۳۲۵- گلبنکیان : ص ۴۳

۱۰۱۳ ، برای ملاقات پادشاه ، اصفهان را ترك گفته و در سوم جمادی الاول و به قولی ، در یازدهم همان ماه به اردوی شاه عباس ، در قارص رسیدند .

شاه عباس ، سفیر پرتغال را با گرمی و احترام بسیار به حضور پذیرفت و سفیر ، نامه فیلیپ سوم و هدایائی را که برای شاه عباس آورده بود تقدیم نمود . ۳۲۶
لاسرده مأموریت داشت : ۳۲۷

۱- با تدابیر لازم و اقدامات مسالمت آمیز ، بحرین را از ایران پس بگیرد .
۲- پادشاه ایران را به ادامه جنگ با عثمانیها تحریک و ترغیب کرده ، مانع صلح با عثمانی شود .

در مورد این ماده از مأموریت ، تأکید شده بود ، با رعایت حزم و احتیاط کامل ، باید رفتاری کرد که موجب ازدست رفتن اعتبار نشود . ۳۲۸

۳- مأموریت دیگر لاسرده چنین بود که به هر صورت که باشد - ولو با مبادرت به عمل قتل - رابرت شرلی را از خدمت در دستگاه پادشاه ایران دور سازد ۳۲۹ و این نکته می‌رساند که

۳۲۶- همان کتاب ، ص ۴۴ زیرنویس ۸۰ و اسکندریبیک : ص ۶۶۵

۳۲۷- نصراله فلسفی ، در شرح این سفارت ، در کتاب زندگانی شاه عباس اول ، نوشته است « از منظور سفارت لوئیس پرهیرا و مضمون نامه‌ای که برای شاه عباس آورده بود اطلاعی در دست نگارنده نیست » (جلد چهارم ، تهران ، ۱۳۴۱ ، ص ۱۷۲)

۳۲۸- گلبنکیان : صفحات ۴۳-۴۲

۳۲۹- کارملی ها در ایران ، یکم ، صفحات ۴۴-۴۳

پرتغالیها آمدن هیأت انگلیسی برادران شرلی را تاجچه حد مخالف مصالح خود می دانستند و انگلستان را در صحنه ایران و خلیج فارس و هندوستان رقیب خود می دیده اند.

فردای روز شرفیابی، میهمانی مفصلی به مناسبت ورود سفیر داده شد و سپس سفیر اجازه یافت به قزوین رفته تا بازگشت شاه از میدان جنگ، در آنجا متوقف باشد.

لاسر دا و همراهان او در هشتم رجب ۱۰۱۳ (۳۰ نوامبر ۱۶۰۴) به قزوین رسیدند و پس از سه ماه که در قزوین بودند، چون از بازگشت شاه خبری نشد، سفیر، برای تعیین تکلیف خود و استمزاج از شاه درباره موضوع مأموریت سفارت، بلشویور نزد الله وردی خان، فرمانده سپاه شاه عباس فرستاد. ۳۳۰. بلشویور با وجود دشواریهایی که به سبب سرمای زمستان در پیش بود، ۱۹ شوال (۱۰ مارس ۱۶۰۵) عازم اردوی شاه که در تبریز بود، شد و در اول ذی قعدة، مصادف با نوزدهم به تبریز رسید و موضوع مأموریت خود را به عرض شاه رسانید. اما شاه عباس در پاسخ بلشویور گفت شخصی را به نام امامقلی بیگ پاکیزه، ۳۳۱ که تا چند ماه پیش سفیر ایران در دربار روسیه بوده، برای فرستادن

۳۳۰- گلبنکیان : ص ۴۵-۴۴

۳۳۱- گلبنکیان در مقدمه خود بر کتاب « سفارت دولا سردا در ایران » نام این شخص را « امانقلی بیگ » نوشته (ص ۴۵) و این شخص همان « امامقلی بیگ پاکیزه قورچی ترکمان » است که بنا بر ضبط عالم آرای عباسی، شاه عباس او را « با تحف و هدایای لایقه، به ایلچی گری پادشاه روس » تعیین کرده بود و او همراه سفرای روسیه که از دربار شاه عباس، به روسیه باز می گشتند، به روسیه رفت (ص ۵۰۷)

به دربار مادرید نامزد کرده است^{۳۲۲}، ولی چنانکه می‌دانیم این سفیر هرگز به اسپانیا و پرتغال نرفت و در مدارک پرتغالی هم کراًراً از رسیدن این سفیر صحبت شده است. از جمله در دو نامه از فیلیپ سوم است که یکی به تاریخ هفدهم ژانویه ۱۶۰۷ (۱۸ رمضان ۱۰۱۵) بوده و دیگری در تاریخ ژوئن ۱۶۰۸ (ماه صفر ربیع الاول ۱۰۱۷) به وسیله گووه آبه‌شاه عباس تسلیم شد و شاه عباس در پاسخ نامه اخیر نوشته بود «سفیر دیگری به نام دن‌کیز بیگ در معیت گووه آ خواهد فرستاد^{۳۲۳}».

مقارن روزهایی که بلشویور در تبریز بود، بین شاه عباس و چقال پاشا فرمانده سپاهیان عثمانی هم مذاکراتی دربارهٔ مصالحه به میان آمد.^{۳۲۴} و چون بلشویور از موضوع آگاه شد، الله‌وردی خان و سایر سران سپاه و امرای متنفذ دربار را ملاقات کرد تا شاید شاه را از صلح با عثمانی منصرف و راضی به عقد اتحاد با پادشاه اسپانی و پرتغال نمایند^{۳۲۵}. اما مصالحه ایران و عثمانی خود بخود، به سبب ناهمساعد بودن شرایط طرفین صورت نگرفت^{۳۲۶} و با این حال، شاه عباس اتحاد با پادشاه اسپانی را به سبب اینکه همیشه

۳۲۲- گلبنکیان : ص ۴۵

۳۲۳- همان کتاب، ص ۴۷ ، برخلاف امامقلی بیگ پاکیزه ، این سفیر به دربار اسپانیا رسید ولی به سبب خطاهائی که در مدت مأموریت خود مرتکب شده بود، چون به ایران بازگشت، به فرمان شاه‌عباس به قتل رسید (برای آگاهی بیشتر به عالم‌آرای عباسی ، ص ۸۶۳-۸۶۲ رجوع کنید) .

۳۲۴- اسکندر بیگ : ص ۶۷۲-۶۶۸

۳۲۵- گلبنکیان : ص ۴۵

۳۲۶- اسکندر بیگ : ص ۶۷۲

فکر پس گرفتن هرموز و سواحل خلیج فارس را در خاطر می‌پرورانید، به دفع الوقت گذرانید. (گراوور ۴۰)

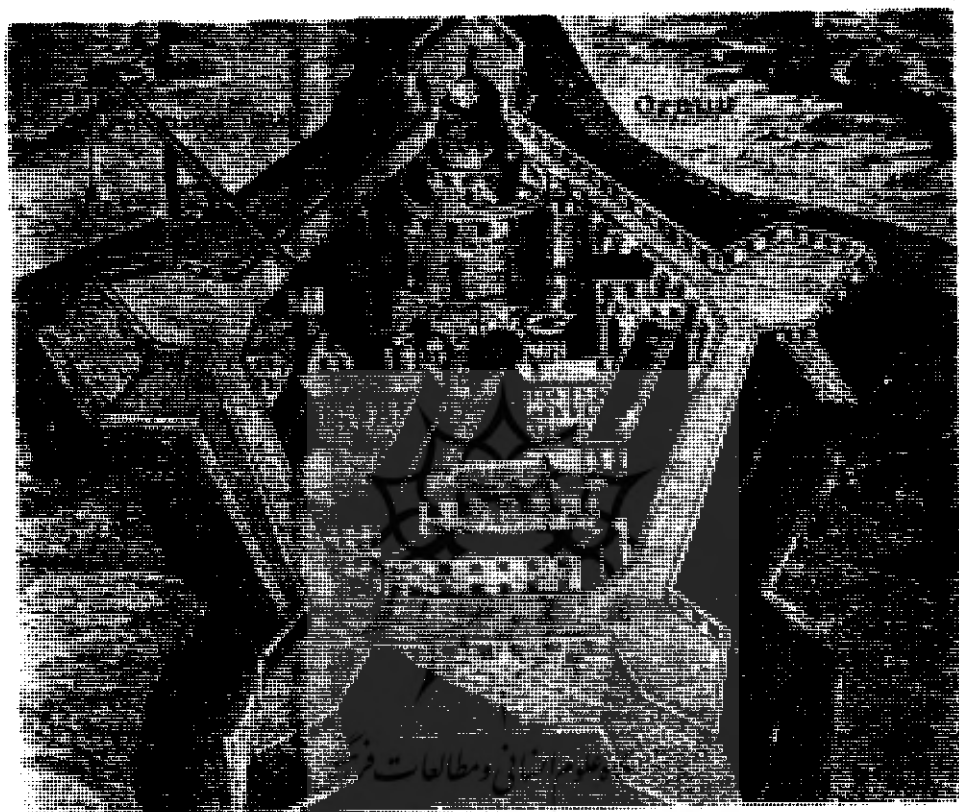
بدین ترتیب، سفارت لاسردا، بی آنکه از آن نتیجه‌ای حاصل شود، پایان یافت و لاسردا ایران را به قصد پرتغال ترك کرد^{۳۳۷}.

در خلال این احوال، پادشاه اسپانی و پرتغال که به نیات پنهانی شاه عباس در مورد خلیج فارس کمابیش آگاهی یافته بود، توجه بیشتری به جانب هرموز معطوف کرد. سندی که در این باره در دست است، نامه‌ایست که پادشاه اسپانی و پرتغال در سال ۱۰۱۳ (۱۶۰۵) در مورد فیروز شاه و ملاحظاتی که نسبت به او باید مراعات شود، به نایب السلطنه هند نوشته است و در آن متذکر شده بود که من مطلع شده‌ام که در پاره‌ای موارد به وسیله فرماندهان پرتغالی هرموز نسبت به پادشاه هرموز اهانت‌هایی شده و او را بازداشت کرده‌اند. این وضع دیگر نباید ادامه یابد و اگر وضعی غیر عادی روی دهد، پیش از آنکه خود تصمیمی بگیرند (یعنی پرتغالیهای هرموز) باید شما را آگاه سازند و شما نیز به من اطلاع دهید. ما نیز که در این گونه موارد باید تصمیم بگیریم.^{۳۳۸}

در این تاریخ، هلندیها و انگلیسها که در اروپا حریف و معارض

۳۳۷- پادشاه پرتغال در نامه‌ای که به نایب السلطنه هند نوشته بود (۱۸ ژانویه ۱۶۰۷ = ۱۹ رمضان ۱۰۱۵) لاسردا را متهم به غفلت و مسامحه در اجرای مأموریت خود کرده که با تعجیل در حرکت از تبریز و ترك اردوی شاه موجب شده بود نتیجه‌ای از مأموریتش بدست نیاورد. (گلبنکیان ص ۴۶-۴۵)

۳۳۸- مونسوئش، ج ۱



گراوور شماره ۴۰ - قلعه هر موز ، نقاشی مانسلو
(از کتاب اسناد مصور اروپائیان ج ۱ تألیف دکتر غلامعلی همایون)

پرتغالیها و اسپانیاییها بودند، در دریاهای مشرق نیز رقیب سرسخت آنها شده بودند و باتلاش تمام برای کوتاه ساختن دست پرتغالیها از دریاهای مشرق می کوشیدند. برای این که موقعیت پرتغالیها در برابر هلندیها و انگلیسها، بیشتر معلوم و روشن شود به خصوص که سرانجام، این دو ملت جانشین پرتغالیها در خلیج فارس شدند، لازم است به پیشرفت های این دو دولت در دریاهای مشرق اشاره ای بشود :

اقدامات شدید و خصمانه فیلیپ دوم پادشاه اسپانیایی علیه هلند، و منع تجارت بنادر شبه جزیره ایبری با هلندیها از عوامل مؤثری بود که دیر یا زود هلندیها را که خود مردمانی دریائی بودند در هندوستان و آبهای مشرق با کشتی های پرتغالی و اسپانیایی روبرو می کرد و به همین سبب هم بود که هلندیها توجه خود را به سوی هندوستان معطوف کردند و نخستین گروه ناوگان آنها به رهبری شخصی به نام هوتمان Houtman و به سرمایه بازرگانان آمستردام با نام شرکت سرزمینهای دور دست ، Soci t  des Terres Lointaines در ۱۵۹۵ (۱۰۰۳) به هندوستان رسید. این شرکت نه فقط می خواست به هندوستان دست یابد بلکه به اندونزی و سایر مناطق مشرق هم نظر داشت. چنانکه شهر جاوه را مرکز خود قرار داد و برای کمک به مردم اندونزی در برابر تجاوزات پرتغالیها آمادگی خود را اعلام نمود. ۳۳۹

بعد از این توفیق، هلندیها، پرتغالیها را از سیلان بیرون راندند (۱۰۱۱ برابر با ۱۶۰۲) و به دنبال آن شرکت بازرگانی

هند شرقی Compagnie Vereenigde Ostindische را تأسیس کردند. از طرف دیگر، انگلیسها هم که در سال ۱۶۰۰ هـ. ق (۱۶۵۱ م) شرکت مشرق، Levant Company را تأسیس کرده بودند به هلندیها تاسی جسته، نام آن شرکت را به شرکت هند شرقی، The East India Company تبدیل کردند (۱۰۱۴ برابر با ۱۶۰۶). ۳۴۰

بدین ترتیب، فیلیپ پادشاه اسپانی و پرتغال خود را در خلیج فارس و آبهای هندوستان بادورقیب نیرومند مقابل یافت. در این تساریخ خلیج فارس و سواحل آن، در سرنوشت و سیادت امپراتوری اسپانیا و پرتغال تأثیر و اهمیتی حیاتی داشت و هر موز با موقعیت خاص خود، مرکز بازرگانی پرتغالیها بود. ولی پرتغالیها برخلاف اقتضای وضع که میبایست با مردم این نواحی حسن سلوکی میداشتند، از هیچ گونه تمدی و زور گوئی خودداری نمی کردند و بر اثر سوء رفتار و تعدیهای آنها اهالی سواحل خلیج از آنها ناراضی بودند چنانکه، به گفته آرنولد ویلسون در سال ۱۶۰۴ (۱۰۱۴-۱۰۱۳ هـ. ق) در سرتاسر طول ساحل ایران، حس تنفر و انزجاری نسبت به پرتغالیها ایجاد گردید. زیرا جهازات آنها شروع به تجاوز و تعدی کرده و بعضی جاها را غارت نموده بودند و به آن جهت، کشتیهای تجارتی آنها نمی توانست از بنادر ایران آذوقه و لوازم تهیه نماید. ۳۴۱

۳۴۰- توسن: ص ۱۲۴ و به آرنولد ویلسون: خلیج فارس چاپ یکم ص ۱۰۰-۱۰۲ ترجمه فارسی محمد سعیدی و اقبال: مطالعاتی در باب بحرین و ص ۷۴-۷۲ نیز رجوع کنید.
۳۴۱- خلیج فارس: ترجمه محمد سعیدی چاپ یکم ص ۱۰۸-۱۰۷

باین احوال، پرتغالیها از خلیج فارس و بنادر و سواحل آن دست بردار نبودند چنانکه فرانسسکو پیرار دولاول Francisco Pyrard de Laval کسه به سال ۱۰۱۶ (۱۶۰۷) از این منطقه دیدن کرده است در روزنامه سفر خود دربارهٔ هرموز نوشته است: از هرموز مرواریدی که در همان جا صید می‌شود و بهترین مروارید درهند است، همچنین نقره، طلا، منسوجات ابریشمی، فرش، و پارچه‌های ایران، اسبهای عربی و ایرانی، ادویه، خشکبار، گیاهان طیبی به مقدار فراوان به گوآ صادر می‌شود و وری سیموسرائو Verissimo Serrão، پس از نقل این نکات، در مقدمهٔ خود بر سفرنامه اورتاروبلو، اضافه می‌کند، «درآمد حاصل از گمرکات هرموز به اندازه‌ای بود که فرماندهان پرتغالی هرموز که هر یک سه سال مأمور و وصول آن عواید می‌بودند از مالیاتی کسه بازرگانان می‌پرداختند می‌توانستند سرشار از تمول شوند، ۳۴۲ اورتاروبلو Orta Robelo هم که اندکی قبل از دولاول به هرموز آمده بود (صفر ۱۰۱۵ برابر با ژوئن ۱۶۰۶) نوشته است «هرموز بزرگترین و مهمترین بارانداز مشرق است. مسافران ونیزی و یونانی و ارمنی و یهودی و همچنین از ملل دیگر، لاینقطع به آنجامی آیند. تمام نیازمندیهای زندگی، از قبیل گندم، آب، چوب و انواع میوه‌هایی را که در پرتغال هم موجود است، از ایران

۳۴۲- بك جهانگرد پرتغالی در ایران ، «آغاز سدهٔ هفدهم ،

نیکلاودو اورتاروبلو»، ص ۵۷

Un Voyageur Portugais en Perse au début du XVII^e Siècle.

Nicolau de Orta Rebelo. Trad. Par Joaquim Verissimo Serrão.
Lisbonne 1972 .

به هرموز می‌آورند. ۳۴۳

مسأله دیگری که نیز در این روزها خاطر دولت اسپانی و پرتغال را به خود معطوف می‌کرد، اقدامات نظامی ایسران در قلمرو هرموز بود و آن چنین بود که شاه‌عباس که همواره منتظر فرصتی بود تا دست پرتغالیها را از خلیج فارس و نواحی ایران کوتاه کند و به سبب نداشتن نیروی دریائی کافی و درگیریهائی که در مغرب ایران با عثمانیها داشت، این فرصت دست نمی‌داد بالاخره مصمم شد به هر صورت هست به استیلای پرتغالیها پایان دهد. به این اندیشه به والی فارس دستور داد رفته رفته برخی از نواحی ساحل خلیج فارس را بدون جنگ تصرف کند و چون بحرین از چندی پیش به تصرف ایرانیان درآمده بود، والی فارس به تدریج، چند قلعه از قلاع ساحلی خلیج، مانند قلعه های هرموز، بندر کمبرون و موغستان را تصرف کرد.

پادشاه اسپانی که به وسیله فرمانده پرتغالی هرموز، از این قضایا آگاه شده بود، نامه‌ای به شاه‌عباس نوشت (۱۷ ژانویه ۱۶۰۷ برابر با ۱۸ رمضان ۱۰۱۵ ق).

دم‌فیلیپ در نامه خود، بعد از ابلاغ تهنیت به مناسبت پیروزیهای شاه‌عباس در جنگ با عثمانیها، وعده کرده بود، سپاهیان اسپانی و پرتغال که در دریای مدیترانه هستند، از همان سوی، عثمانیها را تحت فشار خواهند گذاشت و سپس نوشته بود، به طوری که نایب‌السلطنه هند گزارش کرده است والی شیراز نه تنها هنوز جزیره بحرین را که جزو قلمرو سلطان هرموز و تابع پادشاه

۳۴۳- اورتا ربلو : سفرنامه، ترجمه فرانسوی به وسیله

وری سیموسرائو، ص ۹۳

اسپانی و پرتغال است در تصرف خود دارد و به مأموران پادشاه اسپانی و پرتغال پس نداده، بلکه نواحی دیگری را هم یکی پس از دیگری تصرف می کند.

نکته دیگر در نامه پادشاه اسپانی، درباره لغو انحصار تجارت ابریشم ایران از ترکها و ارمنیها و واگذاری آن به بازرگانان اسپانیائی و پرتغالی و تخصیص بندر هرموز برای مرکزیت صادرات تجارت ابریشم بود. ۳۴۴

امام شاه عباس که از مدتی پیش دریافته بود به همکاری و کمک اسپانی و پرتغال برای جنگ با عثمانیها امید نمی تواند داشت، پیش از اینکه نامه پادشاه اسپانی برسد، به منظور یافتن متحدی دیگر، رابرت شرلی را به دربارهای مسیحی اروپا فرستاد و رابرت شرلی در روز بیست و چهارم شوال ۱۰۱۶ هـ. ق اصفهان را به سوی اروپا، ترک گفت. ۳۴۵

اینها عواملی بود که پادشاه پرتغال را به خاطر مصالح کشور خود سخت نگران کرده بود و به اندیشه رفع مخاطرات، در سال ۱۰۱۶ (۱۶۰۷) در نظر گرفت نیروئی قوی به خلیج فارس بفرستد. به این نیت، در شعبان همان سال (دسامبر) گروهی از ناوگان خود را، شامل ۱۴ کشتی کوچک و بزرگ به سوی هندوستان روانه نمود و به علاوه برای آنکه به روابط خویش با پادشاه ایران هم استحکام بیشتری بخشد، در ژانویه ۱۶۰۸ (رمضان - شوال ۱۰۱۶) به نایب السلطنه هندوستان دستور داد دو تن کشیشان پرتغالی، بلشیوردوس آنجوش و آدئوداتو Adeodato را که از

۳۴۴- گووه آ: جنگهای بزرگ، ص ۴۵۹

۳۴۵- فلسفی: همان کتاب ص ۱۸۱

سال‌های پیش در اصفهان به انجام امور مذهبی اشتغال می‌داشتند به حفظ روابط میان پرتغال و ایران و به اهمیت مسأله هر موز متوجه ساخته، یاد آور شود که پادشاه ایران راعلیه سلطان عثمانی و ادار به جنگ نمایند. ۳۴۶

ناوگان پرتغالی در ۱۱ ذی‌حجه ۱۰۱۶ (۲۹ مارس ۱۶۰۸) لیسبون را به مقصد هندوستان ترك گفتند. اما فقط سه کشتی از آنها به مقصد رسید و بقیه یا غرق شدند و یا بدست هلندیها افتادند و فیلیپ، گروه دیگری شامل شش ناو به‌مراه نایب‌السلطنه جدید موسوم به روی کارنی رودو کاسترو Rui Carneiro de Castro تعیین کرد و این گروه در ۱۳ رجب ۱۰۱۷ (۲۳ اکتبر ۱۶۰۸) از لیسبون عازم هندوستان شدند. این بار، پادشاه اسپانی هدیائی هم برای شاه عباس فرستاده بود و چون در این تاریخ، دربار اسپانی سفیری در ایران نداشت، قرار شد هدایای مزبور را دو دو کشیش مذکور، تقدیم پادشاه ایران نمایند. ۳۴۷

توجه خاص اسپانی و پرتغال به جزیره هرموز و بنادر خلیج فارس و اهمیت وجودی این ناحیه برای آن دولت را، از قاعده‌ای که پادشاه اسپانی یکی دو ماه بعد (۱۵ مارس ۱۶۰۸ برابر با ۲۸ ذی‌قعدة ۱۰۱۶) به نایب‌السلطنه هندوستان نوشته بود می‌توان دریافت. فیلیپ در نامه خود، در پاسخ حاکم کمبرون که به سبب خراب شدن قسمتی از بنای قلعه و استحکامات کمبرون، پیشنهاد کرده بود بقیه قلعه را نیز خراب کنند، گفته بود: «شما از اهمیت این جزیره (یعنی هرموز) و این استحکامات آگاهید.

۳۴۶- وری سیموسرائو: مقدمه سفرنامه اورتار بلو ص ۵۷-۵۶

۳۴۷- همان کتاب، ص ۵۷

به این جهت برای دفاع از هرموز و قطع آرزوهای پادشاه ایران از تصاحب این جزیره، من اصرار دارم که در تجدید بنای استحکامات آنجا جدیت کنید، ۳۴۸

سفارت دوم آنتونیو دو گوره آ به ایران به سبب این عوامل بود و او با نامه هفدهم ژانویه (۱۸ رمضان ۱۰۱۵) فیلیپ که نایب السلطنه هند به اوسپرده بود، در نیمه ماه ربیع الاول ۱۰۱۷ به اصفهان رسید، ۳۴۹

شاه عباس که می دانست در جنگ با عثمانی ها امید هیچگونه همکاری و کمک از اسپانی و پرتغال نمی تواند داشت، به پیشنهادها و مواعید پادشاه اسپانی و مأموریت سفارت گوره آ وقعی ننهاد. اما در ظاهر جانب آنها را هم از دست نداد و گوره آ را در معیت دنکیز بیگ روملو مأمور کرد به دربار مادرید باز گردد و مواعیدی را که دم فیلیپ بارها متذکر شده بود خاطر نشان او نماید ۳۵۰ و در نامه ای که در پاسخ پادشاه اسپانی نوشته بود، پس از اشاره به دفع الوقت کردنهای پادشاه اسپانی در همکاری با ایران در جنگ با عثمانیها، ۳۵۱ در مورد تجارت ابریشم و هرموز چنین نوشته بود: *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۳۴۸- مونسوئش: جلد یکم ص ۲۱۹

۳۴۹- فلسفی: زندگانی شاه عباس اول، ج ۴ ص ۱۷۳-۱۷۴

و بیانی: ص ۶۶-۶۵

۳۵۰- بیانی: ص ۶۷ و فلسفی همان کتاب ص ۱۸۳

۳۵۱- شاه عباس در این مورد نوشته بود «... آن پادشاه

عالیجاه هفت سال پیش نیز همین پرآنتوان (یعنی آنتونیو دو گوره آ) را به سفارت نزد من فرستادند تا مرا به جنگ با ترکان عثمانی تحریض

کند...» فلسفی، زندگانی شاه عباس اول: ج ۴ ص ۱۷۷

« درباره تجارت ابریشم ، سعی خواهم کرد معاملات آنرا از دست ترکان عثمانی خارج کنم و به عمال آن اعلیحضرت بسپارم و تجارت این متاع را از راه هرموز دائر سازم . ولی خوبست که از آنجانب نیز کسی به جزیره هرموز فرستاده شود که حفاظت منافع سوداگران ایران باشد ، تا کسانی که از اصفهان ابریشم بدانجا می فرستند ضرر نکنند و خسارت نینند » ۳۵۲

در خلال این احوال ، در هرموز ، کار کشمکشهای فیروز شاه ، سلطان هرموز و تورانشاه برادرش که مدعی تاج و تخت هرموز بود بالا گرفت و بالاخره تورانشاه به قتل رسید . ۳۵۳ و به قولی او را سوزانیدند ۳۵۴ (ذی قعدة ۱۰۱۷) ولی با کشته شدن تورانشاه قطع ماده اختلافات و کشمکشها نشد بلکه پسران تورانشاه به خونخواهی پدر ، برضد فیروزشاه برخاستند و مدعی سلطنت هرموز شدند . ۳۵۵

از سوی دیگر ، رابرت شرلی با هیأت سفارت ایران ، پس از رفتن به دربارهای روسیه و پراگ و رم ، به اسپانی رسید . دربار سلن از طرف دولت اسپانی دستور یافت در انتظار وصول دستور بعدی دربار باشد و علت این دستور به سبب آن بود که دربار اسپانی به صدق دعاوی هیأت مزبور مبنی بر اینکه نماینده پادشاه ایرانند ، تردید داشت .

۳۵۲- همان کتاب ، همان صفحه و بیانی ، ص ۶۸

۳۵۳- مونسوئش : ج ۱ ، ص ۳۸۲

۳۵۴- همان مدرک : صفحات ۳۶۵ و ۴۰۶

۳۵۵- همان مدرک و همان صفحات

سر رابرت شرلی بعد از مدتی انتظار، بی آنکه از دربار اسپانی کسب اجازه کند، به آرانخوئز Aranjuez که دربار اسپانی، آن روزها در آنجا بود رفت، و پس از شرفیابی به حضور پادشاه (ژانویه ۱۶۱۰ - شوال ۱۰۱۸) نامه‌های شاه عباس را تسلیم کرد^{۳۵۶} ولی باز پاسخی مثبت دریافت نکرد و به مادرید بازگشت. در روزهاییکه رابرت شرلی در اسپانیا بود، دن‌گیز بیسکروملو نیز در معیت آنتونیو دو گووه‌آ به اسپانی رسید (جمادی‌الاول ۱۰۱۹) و هدایای کرانهائی را که از جانب شاه عباس برای پادشاه اسپانی آورده بود، تقدیم نمود.

این بار، پادشاه اسپانی به پیشنهادهای پادشاه ایران روی موافق نشان داد و قرار شد رابرت شرلی از راه لیسبون به ایران بازگردد. به این جهت شرلی به لیسبون رفت و در آنجا به انتظار رسیدن نامه پادشاه اسپانی متوقف شد.^{۳۵۷}

هنگامی که سفیران ایران در دربار اسپانی مأمور مذاکره درباره مسأله هرموز بودند، فیروزشاه سلطان هرموز در گذشت (ذی‌قعدة ۱۰۱۹) و پسرش محمودشاه به جای او پادشاه شد.^{۳۵۸} محمودشاه (۱۰۳۱-۱۰۱۹ ذی‌قعدة)

سلطنت محمودشاه با مخالفت عمومی میرفالی‌شاه مواجه

۳۵۶- بیانی : ص ۶۸ به نقل از کتاب « وضع ایران در سال ۱۶۶۰ » Estat de la Perse en 1660 تألیف شیفر Schefer و فلسفی : همان کتاب ، ص ۱۸۳

۳۵۷- فلسفی ، همان کتاب ، ص ۱۸۳
۳۵۸- مونسوئش : ج ۲ ص ۳۸ سند ۱۷۳ - اقبال در کتاب بحرین، مرگ فیروزشاه و به سلطنت رسیدن محمودشاه را از وقایع سال ۱۰۱۷ نوشته است (ص ۸۰)

گردید و او برای بدست آوردن سلطنت از نایب‌السلطنه هند و پرتغالیها استمداد کرد. مدرکی که در این باره موجود است ، نامه‌ایست که نایب‌السلطنه هند دم هنریک دونورون یسا Dom Henriqu de Noronha به پادشاه اسپانی و پرتغال نوشته است. نورون یا در نامه خود می نویسد:

« میرعموفالی شاه که می گویند از شاهزادگان هرموزاست، شرحی به من نوشته مبنی براین که او بزرگترین پسران باقی مانده فرخ شاه است و ازدواج پدر و مادرش هم موافق رسوم و سنن خانوادگی بوده. به این سبب مدعی است که جانشینی سلطنت هرموز بعد از برادرش فیروز شاه به او تعلق دارد. ۳۵۹ ولی میرفالی شاه از تلاشها و اقدامات خود نتیجه‌ای بدست نیاورد.

درلیسبون مدت انتظار را بمرت شرلی به درازا کشید و چون از جانب شاه عباس دستور داشت اگر از پادشاه اسپانی و پرتغال پاسخ مساعدی دریافت نکنند، با دولت انگلستان قراردادی در زمینه بازرگانی منعقد سازد و راه تازه‌ای برای صدور ابریشم و کالاهای ایرانی به اروپا باز کنند، در ربیع الثانی ۱۰۲۰ (ژوئن ۱۶۱۱) مخفیانه به انگلستان رفت. ۳۶۰

عزیمت ناگهانی را بمرت شرلی و رفتن او به انگلستان پادشاه اسپانی را نگران ساخت و از بابت «امنیت و مصونیت هرموز» و خلیج فارس دستوراتی به مأموران خود در خلیج فارس صادر کرد. حمله پرتغالیها به قلعه و بندر کمپرون و تصرف آنجا

۳۵۹ - مونسوئش : همان سند و همان صفحه

۳۶۰ - فلسفی ، همان کتاب ، صفحات ۴-۱۸۳

بدست آنها در ۱۰۲۱، ۳۶۱ احتمالاً در اجرای همان دستورات بوده است.

به علاوه، پادشاه اسپانی آنتونیو دو گووه آ را بار دیگر به عنوان سفارت در معیت دنکیز بیگ روانه ایران کرد و این دو در اواخر سال ۱۰۲۱ اسپانی را به قصد ایران ترک گفته و درسی ام محرم سال بعد (۱۰۲۲) در اصفهان به حضور شاه عباس پسر یافتند. ۳۶۲ در این شرفیابی، دنکیز بیگ به سبب خطاها و اشتباهاتی که در طول سفر خود مرتکب شده بود، به دستور شاه به قتل رسید ۳۶۳ و شاه عباس به گووه آ نیز روی خوشی نشان نداد و گووه آ از بیم شاه عباس به شیراز و سپس به هرموز گریخت. ۳۶۴

مقارن این احوال کمپانی هند شرقی که در هندوستان استقرار یافته بود، برای یافتن بازار جدید متوجه خلیج فارس و ایران شد و دو تن از عمال خود به نام‌های ریچارد استیل Richard Steel و جان کروثر John Crowther را به ایران فرستاد (۱۰۲۳ ه.ق. =

۳۶۱- آرنولد ویلسون: خلیج فارس، صفحات ۹-۱۰۸
۳۶۲- فلسفی، ج ۴ ص ۱۸۸. مولف فارسنامه ناصری در ذیل وقایع سال ۱۰۲۱ از ورود «ایلچیان و پادریان از جانب پادشاه اسپانیول» به اصفهان اشاره کرده و بی‌آنکه نام آنها را ذکر کند نوشته است «در میدان نقش جهان خدمت اعلیحضرت شاهنشاهی رسیده نامه و هدیه شاه را گذرانیده مورد عنایت و شفقت شدند» (گفتار یکم ص ۱۲۸)

۳۶۳- ر. ک به عالم آزای عباسی ص ۳-۸۶۲ چاپ ایرج افشار-
فلسفی نیز در جلد سوم زندگانی شاه عباس به تفصیل از داستان قتل دنکیز بیگ صحبت کرده است (ر. ک به ص ۱۷۹ تا ۱۸۱ و ۲۲۹ تا ۲۳۲)
۳۶۴- فلسفی، جلد چهارم ص ۱۸۸

۱۶۱۴ میلادی) و این دو، ماهوریت داشتند یکی دوبندر از بنادر خلیج فارس را که برای لشکر انداختن و بارگیری کشتیهای شرکت مناسبتر باشد انتخاب نمایند و آنها بندر جاسک را برای احداث تجارتخانه مناسبتر یافتند. ۳۶۵ باز گشت رابرت شرلی هم که در همین روزها از سفر طولانی خود به اسپهان رسیده بود (جمادی الاول ۱۰۲۴)، اگرچه در ابتدا مشکلاتی برای نمایندگانش کمپانی هند شرقی فراهم ساخت ولی بالاخره خود وسیله توفیق آنها شد. به این معنی که چهار ماه بعد (در رمضان ۱۰۲۴) شاه عباس فرمانی مبنی بر آزادی تجارت برای بازرگانان انگلیسی و رفت و آمد کشتیهای آنان در خلیج فارس و بنادر ایران صادر کرد. ۳۶۶

بدین ترتیب نخستین کشتی انگلیسی با کالاهای بازرگانی در ذی قعدة سال ۱۰۲۵، در بندر جاسک لشکر انداخت و پرتغالیها هر قدر سعی و کوشش کردند که از رسیدن کشتی مزبور به بندر جاسک جلوگیری کنند توفیقی نیافتند. ۳۶۷

۳۶۵- فلسفی ج ۴ ص ۲۵۴ و ویلسون ص ۵-۱۰۳ که در این باره نوشته است: «این نقطه در نزدیکی مدخل خلیج و مجاور خشکی است و مثل بحرین مورد تهدید و مخاطره حملات پرتغالیها واقع نیست» و «یک کشتی به تنهایی میتواند آنرا از خطر حمله پرتغالیها محفوظ نگاهدارد».

۳۶۶- آرنولد ویلسون صدور این فرمان را در سال ۱۶۱۶ دانسته که برابر با ۱۰۲۵ بوده است (ص ۱۰۳) ولی فلسفی که مفاد کامل فرمان را هم از تاریخ پورچس Purchas ترجمه و نقل کرده تاریخ صدور فرمان را رمضان ۱۰۲۴ برابر با سپتامبر - اکتبر ۱۶۱۵ نوشته است (ج ۴ ص ۲۵۵)

۳۶۷- ویلسون ص ۳۰۵ و فلسفی ص ۷-۲۵۶

ورود کشتی انگلیسی کمپانی هند شرقی به بندر جاسک را باید بمنزله ضربه مهلکی دانست که بر پیکر امپراطوری اسپانی و پرتغال وارد آمد و در حقیقت شکستی بود که پرتغالیها به سختی پذیرفتند خاصه که این شکست پس از دو شکست دیگر، یکی در سال ۱۰۲۱ و دیگری در سال ۱۰۲۴، بود که از جانب انگلیسها بر نیروی دریائی پرتغال در نزدیکی های سورات وارد آمده بود و این شکستهای متوالی از اعتبار پرتغالیها در خلیج فارس به میزان قابل توجهی کاست. بر این وضع ناگواری دولت اسپانی و پرتغال باید افزود که والی لارنیز در سال ۱۰۲۴ به دستور شاه عباس قلعه و بندر کمبرون را که پرتغالیها در سال ۱۰۲۱ متصرف شده بودند، مجدداً بدست آورد.^{۳۶۸} و از این تاریخ نام این بندر، بندر عباس شد.

ارضاع آشفته خلیج فارس و دریای هند موجب شد که فیلیپ سوم پادشاه اسپانی و پرتغال سفیری به ایران فرستاد تا سروصورتی به آشفتگیها بدهد. این سفیر که از نجیبزادگان اسپانی بود، دن گارسیدو سیلوا فیکوئه را Don Garcia de Silva Figueroa نام داشت و در اواخر رمضان ۱۰۲۳ به گوآرسید ولی نایب السلطنه هند، آزه و دوز Azevedo که خود پرتغالی بود، به تصور اینکه فیکوئه را برای بازرسی و تحقیق در کارهای او اعزام شده و نیز به سبب اینکه برای پرتغالیها بسیار ناگواری می بود یک نفر اسپانیائی برای حفظ منافع یکصد و چند ساله آنها بسا عنوان سفارت به دربار ایران برود، روی خوشی به فیکوئه را نشان نداد

۳۶۸- ویلسون: ص ۱۰۸

و او را تا سال ۱۰۲۶ در گوآ نکام داشت. ۳۶۹ تا این که فیکوئته را توانست با یک کشتی کوچک تجارتي پس از پنج هفته خود را به هرموز رسانید و از هرموز عازم اصفهان شد. فیکوئته را بالاخره بعد از هفت ماه توقف در شیراز و اصفهان که در انتظار اجازه شاه عباس برای شرفیابی بود در قزوین به حضور شاه عباس رسید. ۳۷۰ اما از ملاقات خود نتیجه‌ای بدست نیاورد زیرا شاه عباس دریافته بود پرتغالیها فقط می‌خواهند امتیازاتی بازرگانی تحصیل کنند و حاضر به همکاری با ایران در جنگ با ترکها نیستند. هنگامی که فیکوئته را در ایران بود، کمپانی هند شرقی انگلیس موفق شد تجارتخانه‌هایی در شیراز و اصفهان و قرارداد بازرگانی با ایران منعقد سازد. ۳۷۱

از جزئیات این قرارداد که مورخ اول رمضان ۱۰۲۶ است در جایی ذکر نشده جز اینکه فلسفی در کتاب خود نوشته است شاه عباس در ۱۰۲۶ فرمانی درباره تأسیس تجارتخانه در شیراز و اصفهان و آزادی تجارت برای بازرگانی انگلیسی و اعزام یک نماینده سیاسی از جانب دولت انگلیس به ایران صادر کرد. ۳۷۲ و آرنولد ویلسون قرارداد مزبور را مربوط به سال ۱۰۲۷ دانسته است. ۳۷۳

کتابخانه مدرسه فیثیه قم

۳۶۹- فیکوئته را : سفارت به ایران ، مقدمه ، ترجمه به زبان فرانسوی . Ambassade en Perse Trad de Wicquefort, Paris 1669

۳۷۰- همان مدرك ص ۳۰ و ص ۴۸ و ص ۱۸۰

۳۷۱- ویلسون ، ص ۱۰۶ و فلسفی ، ص ۲۵۷

۳۷۲- زندگانی شاه عباس اول، جلد چهارم ص ۲۵۷

۳۷۳- خلیج فارس ، ص ۱۰۶

ولی خوشبختانه رونوشتی از این قرارداد در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی به دست آمد که جزئیات قضیه را روشن می‌کند^{۳۷۴} و ما صورت کامل آن را در پایان کتاب نقل خواهیم کرد. ^{۳۷۵} (گزاره‌های ۴۱ تا ۴۴)

بدین جهت فیکوئه را بی‌آنکه نتیجه‌ای از مأموریت خود بدست آورد، ناگزیر شد، به کشور خود باز گردد. او در بیستم شعبان ۱۰۲۸ برای کسب اجازه مرخصی، به حضور شاه‌باریافت و روز ۱۴ رمضان اصفهان را به قصد اسپانی ترک گفت. ^{۳۷۶}

بازگشت بی‌نتیجه فیکوئه را و تحکیم استیلای ایران در بحرین و قشم و بندر عباس (گمبرون)، و برخی دیگر از نواحی خلیج فارس، موجب شد که پادشاه اسپانی یکی از سرداران خود به نام روی فریردو آندراد Ruy Freire de Andrad را به ایسران گسیل داشت و او دستور داشت چنانچه پادشاه ایران راضی به واگذاری بندر گمبرون و جزیره قشم نباشد، از جانب پادشاه اسپانی و پرتغال اعلام جنگ کند و بالفور در قشم قلعه‌ای احداث نماید. ^{۳۷۷}

کتابخانه موزه فیکوئه

روی فریردو آندراد در اوائل رجب ۱۰۲۹ (ژوئن ۱۶۲۰) با چند کشتی جنگی به هرموز رسید و چون مطلع شد، شاه عباس حاضر به قبول پیشنهاد پادشاه اسپانی و پرتغال نیست.

۳۷۴- مجموعه خطی همان ۵۰۳۲

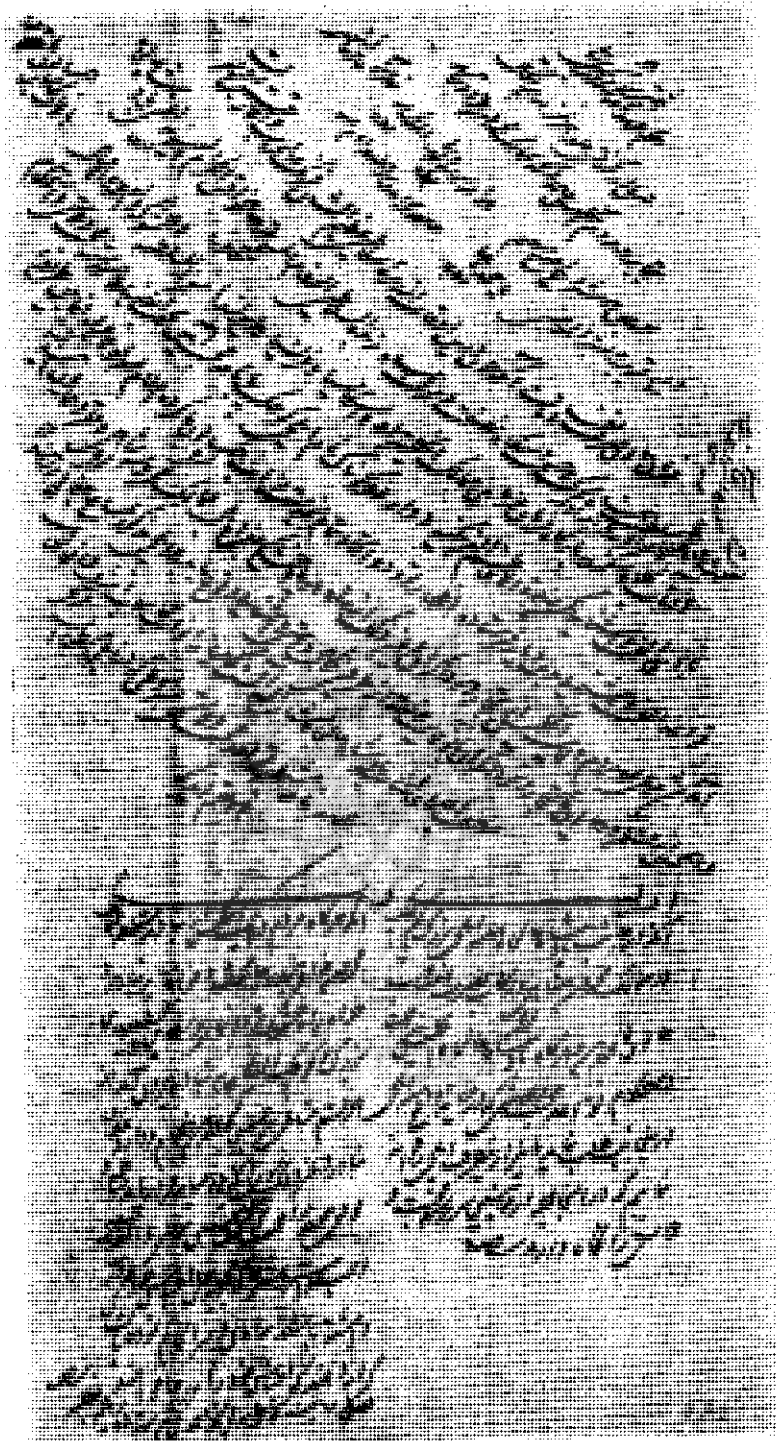
۳۷۵- ضمیمه شماره ۵۷

۳۷۶- فیکوئه‌را، ص ۳۵-۳۳۰

۳۷۷- نامه فیلیپ سوم به نایب‌السلطنه هند مورخ ۶ مه ۱۶۲۰

(۳ جمادی‌الثانی ۱۰۲۹)، آرشیو ملی لیسبون

TT: L. M. XIII. fol 317



گراوور شماره ۴۱ - قرارداد ابران و انگلیس در زمان شاه عباس اول (قسمت یکم)
(از مجموعه خطی شماره ۵۰۳۲ در کتابخانه مجلس شورای ملی)

اگر العباد در دریا طوفان و آوازه خود در کشتی بکشند
 احدی را فایده نرسد حال آنکه اگر در کشتی بود
 هر طوفانی که در آن بود از او بیرون می آید
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود

در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد

اگر در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد

اگر در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد
 در کشتی بود و در کشتی نبود
 احدی را فایده نرسد

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or treaty. The text is arranged in several columns and is heavily obscured by a dense halftone dot pattern. The script is cursive and appears to be from the 17th or 18th century. The document is divided into sections by horizontal lines.

گراوور شماره ۴۳-قرارداد ایران وانگلیس در زمان شاه عباس اول - (قسمت سوم)

مقدم در راه ایران آمدند و در بعضی از آن
 سید آمده در حضور و فضل و شرف آن
 خاطر آن محترم بود و الا خود از غریزه برکنار

اگر تمام جهان بودم که در داد و ستد سما
 برت عزم مردم بکار می کرد و در هر کس
 قضایا بر فرزند و پسر او جمع شده است
 توفیق و فضل است که توفیق آن را
 همه آنچه بود و علم شریف نهاده از او علم
 کما تفر زیاد در آن توفیق است
 توفیق آن که در درگاه است که از او
 قضایا بر تمام جهان جمع شده است

در مقام آن که خدمت آن ابد اله در دین است
 و این است که در میان آن با هر چه اختلاف است
 مگر که در عظام و در احوال آن کم و وزرا و
 در سایر مقامات است که در میان آن با هر
 در کل بود از آن جهت که آن را در میان
 عباد است در توفیق احوال آن طبقه از عباد
 عباد است که در میان آن با هر چه اختلاف
 کرد از آن جهت که در میان آن با هر چه
 حکم است در میان آن با هر چه اختلاف
 در میان آن با هر چه اختلاف

در این وقت از آن جهت که در میان
 حکم است در میان آن با هر چه اختلاف
 در میان آن با هر چه اختلاف

دست به کار ساختن قلعه‌ای در قشم شد^{۳۷۸} و عملاً حالت جنگ با ایران را اعلام کرد. به علاوه کشتی‌های پرتغالی به عنوان این که انگلیسها محمولات ابریشم ایران را که به موجب تعهد و قول سفیر ایسران، رابرت شرلی، انحصار تجارت آن به دولت اسپانی و پرتغال واگذار شده بود برده‌اند، به ناوگان انگلیسی در کمبرون حمله بردند و چند کشتی و بسیاری از سرنشینان آنها را اسیر گرفتند و برخی نیز در معرکه کشته شدند. در این وقایع، خسارات زیادی هم به ساکنان کمبرون و بازار گامان ایسرانی وارد آمد زیرا به بازار گامان ایرانی برای رفتن به هندوستان و خرید کالاهای تجارتهی اجازه داده نمی‌شد.^{۳۷۹}

این تصمیم دولت اسپانی و رفتار فرمانده نظامی او، با توجه به وضع ایران که در این روزها شاه عباس خاطرش از جانب عثمانیها آسوده شده بود و همچنین با در نظر گرفتن پیدا شدن انگلیسها در خلیج فارس و استقرار توسعه قدرت آنها در هندوستان، از اشتباهات بزرگ اسپانی بود که سرانجام هم به زیان قطعی آنها تمام شد و دن فیگوئه را هم به این اشتباه دولت اسپانی اشاره کرده و این تصمیم را «یک دیوانگی محض» دانسته است.^{۳۸۰}

۳۷۸- اسکندر بیگ: عالم‌آرای عباسی ص ۹۸۰

۳۷۹- شاردن Chardin، مسافرت به ایران، جلد یکم،

ص ۳۳۷ متن فرانسوی

۳۸۰- فیگوئه‌را: سفرنامه، ص ۴۶۱ عین عبارت فیگوئه‌را

چنین است:

«Je n'osais dire non plus ce qui obligea le Conseil à une entreprise si folle et si éloignée de toute apparence»

همین اشتباه و اشتباهات دیگری که فرمانده ناوگان اسپانی و پرتغال مرتکب شد موجب گردید بالاخره پرتغال، هرموز و سپس تمام متصرفات خود را در خلیج فارس از دست بدهد. زیرا افزون بر همه این احوال، مأموران پرتغالی هم با مردم سواحل ایران و به خصوص با بازرگانان ایرانی باخسوت بسیار رفتار می کردند^{۳۸۱} و نه تنها به آنها اجازه رفتن به هندوستان و خرید کالاهای ارزانتر را نمی دادند بلکه آنها را مجبور می نمودند از کالاهای آنها در انبارهای هرموز بخرند^{۳۸۲} و آن کالاهارا شصت درصد گرانتر می فروختند و بازرگانان ایرانی از این تحمیلات و اقدامات آن چنان به جان آمده بودند که روزی یکی از آنها کالاهائی را که به او تحمیل شده بود در برابر قلمه نظامی پرتغالیها در هرموز آتش زد.^{۳۸۳}

این اوضاع موجب شد، شاه عباس برای کوتاه ساختن دست پرتغالیها از خلیج فارس، مصمم شود.^{۳۸۴} و به این نیت، با کمپانی انگلیسی هند شرقی وارد مذاکره گردید و انگلیسها نیز که

۳۸۱- در مدارك پرتغالی مکرر از رفتار خشنونت آمیز مأموران پرتغالی یاد شده است. از جمله در اسنادی مربوط به سالهای ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ که تعدیات پرتغالیها موجب ناراضامندی و شکایت مردم هرموز و سواحل خلیج شده بود (سندهای شماره ۴۸۵ و ۴۸۶ جلد سوم کتاب مونسوئش).

۳۸۲- شاردن: ج ۱، ص ۳۳۷

۳۸۳- کارملیها در ایران ج ۱ ص ۱۰۲ و برای آگاهی بیشتر از اعمال خشنونت آمیز و بی رویه پرتغالیها به همین کتاب از ص ۱۰۲ تا ۱۰۴ رجوع کنید.

۳۸۴- ر. ک به عالم آرای عباسی ص ۹۸۰

در صحنه رقابت با پرتغالیها در ایران، اگرچه هنوز زهان درازی از آغاز آن نگذشته بود - صدمات بسیار دیده بودند،^{۳۸۵} همکاری با ایران را پذیرفتند.

مذاکرات شاه عباس با انگلیسها که بالطبع از نظر پرتغالیها دور نمانده بود و همچنین سخنان خشم آلود شاه که روزی در حضور چند تن از کشیشان پرتغالی و نمایندگان شرکت هند شرقی گفته بود، من این پرتغالیان را خوب می‌شناسم و می‌دانم که با ایشان چگونه رفتار باید کرد.^{۳۸۶} در حقیقت بمنزله اعلام جنگ بود و به پرتغالیها فهمانید، پادشاه ایران مصمم است به هر نحو باشد هر موز و قلمرو آنرا که جزو خاک خود میدانند، پس بگیرد. بدین جهت، سپاهیان ایران با همکاری ناوگان انگلیسی جاسک را که مورد حمله پرتغالیها واقع شده بود، متصرف شدند و سپس قشم را هم از دست آنها بیرون آوردند (۱۰۲۹). با تصرف قشم جزیره هر موز نیز که آب شیرین خود را از قشم می‌گرفت، در خطر بی‌آبی افتاد.^{۳۸۷} در همین روزها ایرانیان و اعراب سواحل جنوبی خلیج هم بر ضد پرتغالیها یک دل شده پرتغالیها را از رأس الخیمه بیرون راندند و آنجا را متصرف شدند.^{۳۸۸} در این

۳۸۵- از جمله در سال ۱۰۲۷ پرتغالیها، نماینده شرکت هند شرقی مقیم اصفهان و چند تن از همراهانش را که برای تحویل گرفتن کالا از کشتی‌های انگلیسی به هر موز می‌رفتند در راه مسموم کردند (فلسفی، ج ۴ ص ۲۰۳).

۳۸۶- فلسفی: ج ۴ ص ۲۰۸ که از سفرنامه پی‌یترو دل‌واله نقل کرده است.

۳۸۷- آرنولد ویلسون: ص ۹-۱۰۸ و برای آگاهی از جزئیات این نبردها به سفرنامه فیگوئه‌را رجوع کنید (ص ۶۸-۶۵).
۳۸۸- آرنولد ویلسون، همان صفحه.

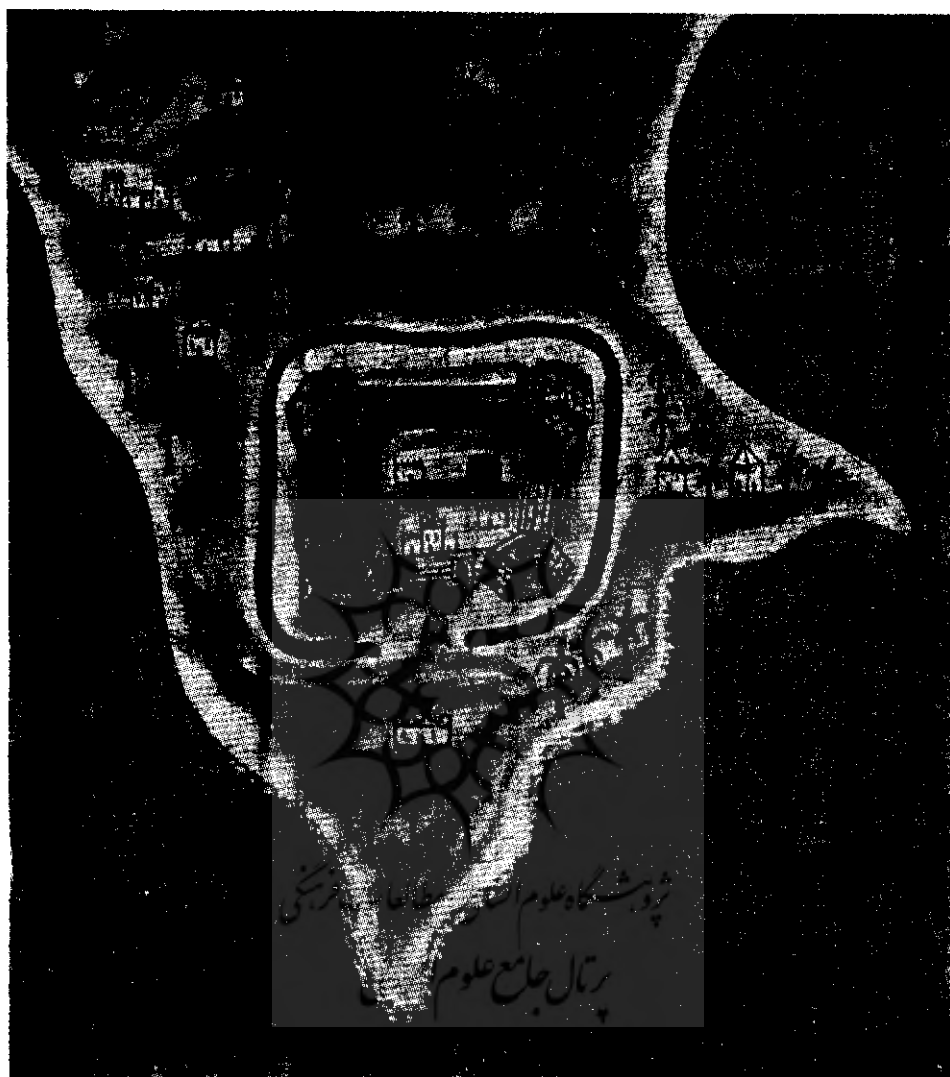
گیرودار، پادشاه اسپانی، پرردمتودولا کروز Père Redemto de Lacruz را به عنوان سفیر، با پنج کشتی جنگی به ایران فرستاد تا در مورد انحصار تجارت ابریشم و همکاری با ایران در جنگ با عثمانیها مذاکره کند. پادشاه اسپانی ضمناً برای روی فریر-داندرد دستور فرستاده بود که اگر نتیجه مذاکرات سفیر با پادشاه ایران موافق خواستههای دولت اسپانی نباشد، جزایر قشم و بحرین و بندر کمبرون را تصرف کند.

اما پرردمتودورا در گذشت و یکی از کشتیها نیز غرق شد. ولی چهار کشتی دیگر در ۱۳ رجب سال ۱۰۲۹ به هرموز رسیدند و نامه پادشاه اسپانی را به اصفهان برای کشیشان پرتغالی فرستادند که به عرض شاه عباس برسانند. لیکن پیدا بود که شاه عباس جواب مساعدی به نامه پادشاه اسپانی نخواهد داد.

مقارن این احوال چهار کشتی انگلیسی هم با دو کشتی پرتغالی که به وسیله آنها اسیر شده بود، به جاسک رسید (دوم صفر ۱۰۳۰). روی فریرداندرد خود را به جاسک رسانید و جنگی سخت میان طرفین به وقوع پیوست که منجر به شکست پرتغالیها شد (ربیع الثانی ۱۰۳۰ برابر با مارس ۱۶۲۱) ۳۸۹

متعاقب این وضع، روی فریر متوجه قشم شد و قسمتی از آنجا را تصرف کرد و سپس به فرمان فیلیپ شروع به احداث يك قلعه نظامی در آنجا نمود (جمادی الاول ۱۰۳۰) ۳۹۰ ولی مردم قشم به منظور جلوگیری از ساختن قلعه، مقاومت کردند. نیروی ایران و کشتیهای انگلیسی نیز به تخریب قلعه پرداختند (گراور ۴۵)

۳۸۹- ماتوش : ص ۲۸۰ و فلسفی : ج ۴ ص ۲۱۲
۳۹۰- ماتوش : ص ۲۸۱ و اسکندربیک : ص ۹۸۰



گراور شماره ۴۵ - نقشه و طرحی از جزیره قشم
 اصل به صورت رنگی در نسخه خطی کتاب «وضع هند شرقی» تألیف
 پدرو باره تو دورزند است .

بدینگونه، زمینه اتحاد ایران و انگلیس برای دفع پرتغالیها و حمله به هرموز از اینجا فراهم شد ۳۹۱ و شاه عباس از انگلیسها درخواست کرد در بیرون کردن پرتغالیها با او همراهی کنند. بر اساس این پیشنهاد، چند ناو جنگی انگلیسی وارد خلیج فارس شد و در ۲۴ صفر ۱۰۳۱ (۸ ژانویه ۱۶۲۲) در بندر میناب قراردادی میان ایران و انگلیس بسته شد :

۱- اول- در صورتی که به یاری خدا، ایرانیها و انگلیسها در این جنگ پیروزمند گردند، مقرر می شود استحكامات جزیره هرموز تازمانی که شاه عباس پادشاه ایران تصمیم جدیدی بگیرد به توسط پادگان ایرانی و انگلیسی اشغال خواهد شد.

۲- دوم- در آمدهای گمرکی بطور تساوی میان طرفین تقسیم خواهد شد و کالاهای انگلیسی از تمام حقوق گمرکی معاف خواهد بود.

۳- سوم- زندانیان مسلمان، متعلق به دولت ایران و زندانیان مسیحی متعلق به کمپانی خواهد شد و طرفین متعهد خواهند گردید که هیچیک از زندانیان را وادار به تغییر مذهب نکنند.

۴- چهارم- ایرانیها متعهد خواهند شد که نصف هزینه جنگی را اعم از خواربار و اسلحه و مهمات و زیان ناوهارا بپردازند. ۳۹۲

۳۹۱- ماتوش ص ۲۸۱ ، نامه فرناندو آلبوکرک Fernão de Albuquerque فرماندار هند ، به تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۶۲۱ (۴ ذی حجه ۱۰۳۰) و اسکندریبک، ص ۹۶۰ .
۳۹۲- خانبا با بیانی : تاریخ ایران ، سال ۱۳۱۸ ، تهران ، ص ۱۷۹

ماده دیگری نیز در این قرارداد بوده است بدین مضمون که غنائم جنگی به تساوی میان دو طرف تقسیم خواهد شد.^{۳۹۳} پس از انعقاد این قرار داد سپاهیان ایران سه فرماندهی امامقلی خان از راه خشکی، ونیروی دریائی انگلیس از جانب دریا، هرموز و قلعه آنجا را در محاصره گرفتند (۸ ربیع الثانی ۱۰۳۲ = ۲۰ فوریه ۱۶۲۲)،^{۳۹۴} پرتغالی‌ها بعد از دو ماه و چند روزه تسلیم شدند^{۳۹۵} و هرموز به تصرف سپاهیان ایران و کمپانی هند شرقی درآمد. در این واقعه، محمود شاه، سلطان هرموز که بابتودن پرتغالی‌ها اختیار و قدرتی از خود نداشت و به گفته اسکندر بیگ، پرتغالی‌ها « خرج الیومی از مداخل و مخارج [هرموز]، جهت اومعین کرده بودند، باو زیرش رئیس نورالدین اسیر شدند و امامقلی خان آنها را به شیراز فرستاد و در آنجا در گذشتند و حکومت جزیره هرموز به ولدخان سلطان سپرده شد (جمادی الثانی ۱۰۳۱).

بدین ترتیب سلسله ملوک هرموز و یا به گفته مورخان دوره صفوی «والیان هرموز» در سال ۱۰۳۱ منقرض شد (شجره شماره ۲) و هرموز که کلید خلیج فارس و سیادت پرتغال بود و دولت پرتغال برای نگهداری آن سالانه ۱۹،۷۸۰،۹۴۰ ریش که به پول

۳۹۳- فلسفی: همان کتاب ج ۴ ص ۲۱۶

۳۹۴- ساتوش: ص ۲۸۷، نامه یکی از ماموران پرتغالی به فرماندار هند پرتغال.

۳۹۵- بیانی ص ۸۶. برای تفصیل مبارزات هرموز به کتاب فلسفی (زندگانی شاه عباس اول، جلد چهارم، صفحات ۲۲۲ تا ۲۲۸) و اسکندربیک از ص ۹۷۹ تا ۹۸۲ رجوع کنید.

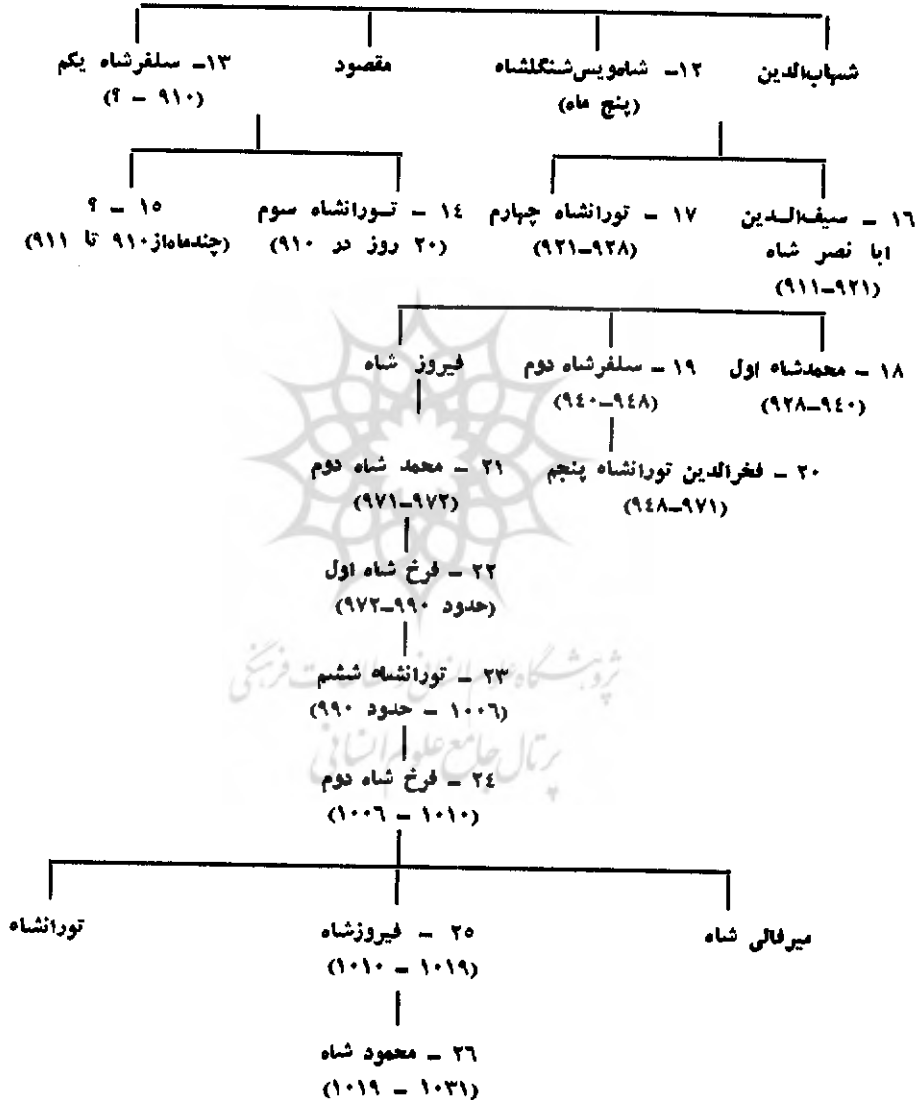
شجره ملوک هرموز *
(از ۹۱۳ تا ۱۰۳۱ هجری قمری)

۱۰ = قطب‌الدین تهمتن

(۹-۸۳۹)

۱۱ - فخرالدین تورانشاه دوم

(۹-۸۳۹)



* برای شجره ملوک هرموز از آغاز تأسیس سلسله مزبور تا سال ۹۱۳ به ص ۲۱-۲۰ همین کتاب رجوع کنید .

امروز ایران ۵۹،۳۴۲،۸۲۰ ریال می‌شد، ۳۹۶ خرج می‌کرد از دست پرتغالی‌ها بیرون رفت. (گراور ۴۶)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

۳۹۶- جوآکیموری سیموسرائو : مقدمه ترجمه سفرنامه اورتا روبلو، ص ۱۷ .

این پول برای مخارج پادگان نظامی ، نگهداری قلعه ، حقوق و مواجب کارمندان گمرک و دیوانخانه ، وسائل و لوازم کشتی ها ، هدایائی که به ملوک اطراف که کالاهای بازرگانی قلمرو حکمرانی آنها به هر موز می‌رسید و همچنین برای اعانات و خیریه‌ای که به مؤسسات مذهبی مثل بیمارستان ها و کلیساها و خیریه داده می‌شد به مصرف می‌رسید .



کراور شماره ۴۶ - مجموعه خرابه‌های قلمه پر تنگای هرروز
(از کتاب آثار شسرهای خلیج فارس تألیف احمد اقتداری)

مرحله دوم (۱۴۳-۱۰۳۱ ه. ق)

بعد از تصرف هرموز و قشم بوسیله سپاه ایران که با همکاری نیروی دریائی انگلیس صورت گرفت (ماه جمادی الثانی ۱۰۳۱ ه. ق = آوریل ۱۶۲۲)، پرتغالیها خود را به مسقط کشیدند^{۳۹۷} تا نیروی کمکی بآنها برسد. اگرچه در آنجا نیز مورد حمله کشتی‌های انگلیسی هلندی قرار گرفتند^{۳۹۸} (۱۰۳۲ = ۱۶۲۳) ولی بالاخره در مسقط مستقر شدند^{۳۹۹} و با رسیدن نیروهای کمکی از هندوستان، باز برای بدست آوردن هرموز و قشم تلاش بسیار

کتابخانه مدرسه لیسبون

۳۹۷- نامه کشیش جوآئوداکنسی ساو Joao da Conceição به حکمران هند، بتاريخ سوم ژوئن ۱۶۲۰ که از هرموز نوشته است (ر.ک به فهرست ماتوش ص ۲۸۶) و تاریخ کاپیتان بزرگ، روی فریردوآندراد (ر.ک. به ماتوش ص ۳۱۴).

۳۹۸- مجموعه اسناد عمومی در کتابخانه ملی لیسبون. FG شماره ۱۷۸۴، برگهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ (ر.ک به فهرست ماتوش ص ۲۹۱).

۳۹۹- آرشیو ملی لیسبون TT: LM.XXIX fol 147r (ماتوش ص ۳۱۰ - ۳۰۹).

می کردند^{۴۰۰} و در ضمن برای تضعیف قوای ایران، به آتش اختلافات ایران و پاشای بصره دامن می زدند و حتی نیروئی هم به کمک و پشتیبانی پاشای بصره فرستادند. ۴۰۱

بنابراین، پرتغالیها با آنکه هر روز وقشم را از دست داده بودند باز در خلیج باقی ماندند و رفته رفته توجه خود را به جانب سواحل جنوبی خلیج فارس یعنی به بحرین و قطیف و قطر و دوی معطوف نمودند^{۴۰۲} (اواخر سال ۱۰۳۶ = ۱۶۲۷) ولی تاشاه عباس زنده بود، جرأت اقدامی در مورد قشم و هرموز و بحرین نداشتند.

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

شاه عباس در ۲۴ جمادی الاول ۱۰۳۸ در گذشت و شاه صفی - به جای او به سلطنت ایران رسید (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ق. ه. - داشتند از تزلزل وضع ایران استفاده کرده برای باز بدست آوردن هرموز و تحصیل امتیاز صید مروارید خلیج، به شاه صفی فشار آوردند^{۴۰۳}. ولی نه تنها توفیقی نصیبشان نشد بلکه شاه صفی باریب آنها، کمپانی هند شرقی، قراردادی بر مبنای قراردادی که شاه عباس با آنها بسته بود، در اول ذی حجه ۱۰۳۸ منعقد کرد

۴۰۰- ر. ک به فهرست ماتوش: ص ۲۸۷ تا ص ۲۹۰ و ص ۲۹۲ تا ص ۲۹۶ که مشخصات کلیه اسناد مربوط به این موضوع را بدست داده است.

۴۰۱- ماتوش: ص ۲۹۲ و ص ۲۹۵

۴۰۲- همان مدرک صفحات ۳۰۱ تا ۳۰۳

۴۰۳- مجموعه اسناد کتابخانه ملی لیسبون، شماره

۲۶-۱۳۵۰ AP، صفحه ۱۵ (ماتوش ص ۳۰۵).

(گزاره‌های ۴۷ تا ۵۱). ۴۰۴ و به پرتغالیها فقط اجازه داده شد در بندر کنگ Kong که در شرق بندر لنگه امروزی واقع بوده، با همان شرایط که برای تأسیس تجارتخانه در بندر عباس به انگلیسها اجازه داده شده بود تجارتخانه‌ای تأسیس نمایند. اما از خصوصیات ویژه این امتیاز این بود که تعهد شده بود چنانچه میان طرفین اختلاف و جنگ هم وقوع یابد امتیاز مزبور به قوت خود باقی خواهد بود ۴۰۵. (۱۰۳۹ هجری = ۱۶۳۰) به موجب این قرارداد، عواید حاصل از گمرک بندر کنگ

۴۰۴- رونوشتی از این قرارداد در مجموعه خطی شماره ۵۰۳۲ کتابخانه مجلس شورایی هست که عکس صفحات آنرا در اینجا به چاپ رسانیده‌ایم و متن قرارداد را نیز در ضمیمه کتاب خواهیم آورد (ضمیمه ۵۸)

۴۰۵- ژان او بن: مقدمه سفرنامه گوریوپوره پرافیدالگو، ص ۱۱ فلسفی نوشته است «پرتغالیان در ۱۰۳۴ قمری، سه سال بعد از سقوط هرموز، چون از بازگرفتن آن جزیره نومید شدند با شاه عباس از در دوستی درآمدند و رسماً از آنچه در سواحل خلیج فارس داشتند چشم پوشیدند. در عوض از شاه اجازه یافتند که در بندر کنگ قلعه و تجارتخانه‌ای بسازند و در بحرین به صید مروارید پردازند و به موجب عهدنامه‌ای مقرر شد که از آن تاریخ کالا‌های پرتغالی در آن بندر از عوارض حقوق گمرکی معاف باشد» (روابط خارجی در دوره صفویه ص ۱۵۶ و زندگانی شاه عباس اول ج ۴ ص ۲۳۰)

اما از این وقایع در اسناد موجود، ذکری یافت نشد و گشایش تجارتخانه کنگ هم در سال ۱۰۳۹ ه ق در زمان پادشاهی شاه صفی بوده است نه در سال ۱۰۳۴.

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or treaty. The text is arranged in several columns and is separated by horizontal lines. The script is dense and appears to be from a historical manuscript.

مردم جوهر باستانه
این عهدنامه تمام دولت را یکبار
بصورت کلی خود نگه دوزگار

در هر شهر و ولایت و صدق آن نماند
و از امر مستتر تمام بگردد
و آنچه خود و صدق که تحمل کند اگر کم
مردم کند و صدق او و صدق خود را
نفرات بجهت اطلاع نادران
اشرف و عظمی و از آن است
نعمه ای که یکبار در شهر خود

اگر این دولت بر مردم در مردم
و در شهر مردم بگردد و صدق آن
بگردد و بگردد و در هر شهر
قریب و دور باشد و مردم
اگر بگردد از شهر باشد و مردم
بماند و از آن است و بگردد

مردم جوهر باستانه
و از آن است که مردم
خواهد بود و باستانه خود
از آن است که مردم
مردم باستانه و مردم
مردم باستانه و مردم
مردم باستانه و مردم
مردم باستانه و مردم

در بنویسند که بدو شرط و طرد کرد را بنویسند و از دعای سنه مقرر و اینست که بیکدیگر بگویند و امر او حکام
 کرام و وزیران و اعیان ذیالاجرام و دار و دکان و ملک التبیرو و قاضیان و مشایخ و علمای و سایرین را
 مهلت در این ممالک محدود است هر وقت و در هر حال که در راه او میماند از این عهد و پیمان که در این ممالک
 و بایمانی فرمائید و کلیه ممالک و اعیان و اموال و اراضی و زمینها و کسبها و کسبها و کسبها و کسبها
 و بایمانی پوشیده و الایجاب کند و سپاه و سواران و کلاه و کلاه و کلاه و کلاه و کلاه و کلاه و کلاه
 منقول و امشده از دل آن در گذرند و در کل بر او هیچ امری از مملکت و مملکت و مملکت و مملکت
 هر چه در مملکت امورش و مملکت و مملکت و مملکت و مملکت و مملکت و مملکت و مملکت و مملکت
 جهان را پیش جهان تعهد و ادب و در هر حال این طبقه از جباران و فریب و پروردگار عالم
 کشیده و خلافت کنند این قضایا را در عقاب و خطاب است نامه است از جباران و مملکت و مملکت
 حکم و تا که هر دو محتاج نماید و چه هر دو را از شرف او شرف و مملکت و مملکت و مملکت و مملکت
 خود هر دو حکم بود ۱۰۳

گر اوور شماره ۵۱ - قرارداد ایران و انگلیس در زمان شاه صفی - پایان

به طور تساوی بین ایران و پرتغالیها تقسیم می شد^{۴۰۶}.
چند سال بعد پرتغالی ها موفق شدند خود را از زیر استیلای
اسپانیایی ها خارج کرده، استقلال خویش را مجدداً بدست آورند
(۱۰۵۰ هـ. ق برابر با ۱۶۴۰) و از این تاریخ سر و کار ایران باز با دولت
پرتغال افتاد.

به هر حال پرتغالی ها تا سال ۱۰۶۱ که امیر مسقط آنها را
از مسقط بیرون راند، در آنجا بودند.^{۴۰۷}

تأسیس تجارتخانه در بندر کنک، اگر چه خود توفیقی بود،
اما پرتغالی ها که روزی، تمام خلیج فارس و نیمی از کرانه های آن
را در دست داشتند، باین توفیق راضی نبودند و برای تأمین نیات
خود صلاح را در نزدیکی با انگلیسی ها دیدند. به این نظر در
۱۰۴۴ با آنها قراردادی بازرگانی منعقد کرده و به موجب آن،
مسقط به آنها واگذار شد.

در کنک هم وضع به همان حال باقی نماند زیرا بعد از
شکست پرتغالیها در مسقط، شهبندر کنک از پرداخت سهم پرتغالیها
امتناع کرد تا اینکه در سال ۱۰۹۱ هجری (۲۲ جمادی الثانی)

۴۰۶- جملی کاری Gemelli Careri جهانگرد ایتالیایی
که در سال ۱۱۰۵ هجری (۱۶۹۴) از بندر لنگه دیدن کرده است
(نقل از مقدمه ژان اوبن ترجمه کتاب «سفارت گرگوریو پره-برا-
فیدالگو ص ۱۲

L'Ambassade de Gregorio Pereira Fidalgo à la cour de Châh
Soltân Hosseyn (1696-1697), Lisbonne, 1971 .

۴۰۷- بیانی : روابط سیاسی ایران با دولتهای غربی اروپا در
دوره صفویه ، ص ۸۷

شاه سلیمان فرمانی مبنی بر تأیید قرارداد سال ۱۰۳۹ صادر نمود (۲۰ ژوئیه ۱۶۸۰) ۴۰۸. در اجرای این فرمان در همان سال، قرارداد تازه‌ئی بین ژنرال دم رود ریگودا کشتا Dom Rodrigo da Costa با شهیندر کننگ به نمایندگی دولت ایران بسته شد که به موجب آن دولت ایران بابت سهم پرتغالی‌ها از عواید گمرکی کننگ که عقب افتاده بود، نه هزار تومان یکجا پرداخت نمود و نیز تعهد شد دولت ایران در آینده هر سال مبلغ هزار تومان بابت سهم پرتغالیها و صد تومان بابت هزینه زندگی و خوراک نماینده تجارتی پرتغال در کننگ بپردازد. ۴۰۹ (گزاره‌های ۵۲ و ۵۳)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۰۸- ماتوش صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸

۴۰۹- TT: Graca III' E. P. 270 به فهرست ماتوش نیز نگاه

کنید، ص ۳۲۸.

